به نام خداوند جان و خرد

کتاب نگارش نهم

نشانه‌های نگارشی، بازنویسی و بازگردانی، درست‌نویسی

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی استان خراسان رضوی

درس نخست: **با ذهنی نظام‌مند و پرورده بنویسیم**

درس دوم: **واژه‌ها را بشناسیم. گزینش کنیم و به‌کار بندیم**

درس سوم: **نوع زبان نوشته را انتخاب کنیم**

درس چهارم: **فضا و رنگ نوشته را تغییر دهیم**

درس پنجم: **آغاز خوش. پایان زیبا و نام‌گذاری نیکو**

درس ششم: **قالبی برای نوشتن برگزینیم**

درس هفتم: **وسعت و عمق نوشته را بیشتر کنیم**

درس هشتم: **نوشته را ویرایش کنیم**

نشانه‌های نگارشی



نشانه‌های نگارشی

، .

؟ !

: ؛

() {}

... –

۱ – نقطه (.)



وظیفه: درنگ کامل

موارد کاربرد:

- در پایان جمله‌های کامل خبری یا انشایی

جمله‌های خبری حاوی سؤال نیز همین گونه‌اند.

- در مختصرنویسی اسامی و عناوین.

مثال: س.م.م = سازمان ملل متحد

- پس از شماره ردیف رقمی یا حرفی.

مثال:۱.

۲- بند، ویرگول، کاما (،)

وظیفه: درنگ کوتاه

موارد کاربرد:

- پس از منادا

- بین همه واحدهای هم‌اِسناد (عطف سازه‌های هم‌پایه)

به پدرش همانند بود: سخن گفتنش، سکوتش، راه پیمودنش، نوری که از چشمانش فرا می تابید.

- برای جدا کردن اجزای تاریخ

- بین بخش‌های مختلفِ نشانی اشخاص و اماکن و میان اجزای پس از نام مأخذ در نشانی مآخذ:

«بهاءالدّین خرّمشاهی: «حافظ نامه»، ج۱، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی،۱۳۶۶، ص ۵۲».

۳- نقطه بند یا نقطه ویرگول (؛)

وظیفه: درنگ متوسّط

موارد کاربرد:

- جدا کردن بخش‌های مستقلّ یک جملهٔ طولانی
- به‌جای نقطه، پیش از جمله‌ای که با واو عطف آغاز به قرینه حذف شده باشد.



۴- دو نقطه (:)

وظیفه: توضیح و تفسیر

موارد کاربرد:

- قبل از نقل قول مستقیم.
- برای جدا کردن اجزای ساعت
- پیش از مجموعه‌ای از شواهد و مثال‌ها و اجزا



۵- نشانهٔ پرسش، پرسش‌نما (؟)

موارد کاربرد:

- در پایان جمله‌های پرسشی
- برای نشان دادن تردید:

«سیّد جمال‌الدّین حسینی در اسدآبادِ همدان (افغانستان؟) زاده شد».

***

۶- نشانهٔ تعجّب (!)



وظیفه: نمایاندن عاطفه

موارد کاربرد:

- در پایان جمله‌های عاطفی برای نمایاندن عواطفی مانند دعا، نفرین، آرزو، تحسین، تعجّب، و تأسّف.
- پس از اصوات. هان! آوخ! آفرین! و ...

۷- پرانتز، دو کمان، کمانک ()

وظیفه: توضیح

موارد کاربرد:

- بیان سال ولادت، وفات و حکومت:

مثال: خواجه نظام‌الملک (۴۸۵ ـ ۴۵۵)

- آوردن معادل یک کلمه یا اصطلاح در درون متن

- معرفی اختصاری مأخذ در متن (بهار ۱۳۷۵، ص ۵۰۳)



۸- قلاّب، دو قلاّب، کروشه {}

وظیفه: افزایش

موارد کاربرد:

- افزایش، تصحیح کلمه یا عبارتی به متن اصلی

مثال: «آیا آن‌کس که زشتی کردارش برای او آراسته شده است {و آن را زیبا می‌بیند} مانند مؤمن است؟»

- ذکر دستورهای اجرایی در فیلمنامه یا نمایشنامه

۹- خط فاصله، نیم‌خط، پیوست نما، تیره (-)

وظیفه: پیوند

موارد کاربرد:

- قبل و بعد از جملهٔ معترضه.
- پیش از نقل قول مستقیم در مکالمه یا داستان
- جدا کردن ارقام از یکدیگر
- به‌جای «تا و به» در بیان فواصل زمانی و مکانی و مقداری



۱۰- سه نقطه (...)

وظیفه: تعلیق

موارد کاربرد:

- به‌جای یک یا چند کلمه حذف شده
- به جای بخش‌هایی از متن در خلاصه نویسی
- نشان دادن مکث در نمایشنامه، فیلنامه و داستان

بازگردانی

بازنویسی

بازآفرینی



بازگردانی

کجا/ کی/ چه کسی/ چرا/ چگونه/ چه چیزی/ چه اتفاقی



بازگردانی به معنی امروزی کردن متن (بیت یا عبارت) است.

مراحل بازگردانی متن عبارتند از:

۱. معنی کردن واژه‌های دشوار

۲. آوردن شکل امروزی واژه‌های کهن و قدیمی

۳. آوردن مفهوم کنایی عبارت

۴. مرتب کردن اجزای جمله:

نهاد + مفعول + متمم + فعل/ نهاد + مسند + فعل اسنادی

نمودش بس که دور آن راهِ نزدیک شدش گیتی به پیش چشم تاریک

آن راه نزدیک آن‌قدر به نظرش دور رسید که جهان پیش چشمش تاریک شد.

بازنویسی

۱- نویسندهٔ بازنویس شایسته است آشنایی کامل با متن اصلی (ازلحاظ شکل و محتوای اثر) داشته تا بتواند در انتخاب متن کهن و بازنویسی آن موفق عمل کند. کار نویسندهٔ بازنویس، جذاب کردن متون و پیام‌های اثر کهن است. بنابراین می‌بایست محتوا و پیام اثر را به‌درستی درک کرده باشد تا بتواند با هوشمندی و شگردی خاص جانی تازه به کالبد خاک‌گرفته و مهجور آثار کهن بدمد. بی شک، تغییر زبان به تنهایی سبب جذابیت و جان بخشیدن به اثر نخواهد شد، بلکه سبب بی اعتباری اثر کهن نیز خواهد شد و گاه از ارزش اثر نیز می‌کاهد.

۲- بازنویس مجاز نیست هیچ‌گونه تغییر یا تحریفی در مضمون و محتوای اصلی متن وارد آورد. بلکه باید به بن‌مایه‌های اصلی متن توجه شود. سپس تمام چیزهایی را که برای نوشتن یک داستان باید بدان توجه شود، رعایت کند. بازنویس باید کل محتوای اثر اصلی را در خود حفظ کند و پیام آن را به تمامی منتقل نماید. (مفهوم و هدف متن اصلی در بازنویسی دیده شود).

۳- در بازنویسی می‌باید کل مضمون بازنویسی شود نه سطر به سطر.

۴- بازنویسی باید سبب برانگیختن کنجکاوی خواننده به شناخت متن اصلی شود. همچنین در بازنویسی، مسائل عاطفی، فرهنگی و زبانی و ذهنی مخاطبان مورد توجه قرار می‌گیرد.

۵- گفت‌وگوها، حوادث، شخصیت‌ها، زبان و لحن، توصیف‌ها از جملهٔ این عناصر هستند. توجه به این عناصر و شگردها می‌تواند ابتکاراتی باشد که انسان پرتحرک و کم‌حوصلهٔ امروزی را با فرهنگ گذشته‌اش ارتباط دهد.

۶-یک اثر خوب بازنویسی شده، بیانگر مهارت نویسنده‌ای هوشمند و زبردست است که با ابزار زبان و بیان مناسب بین میراث کهن و عصر جدید ارتباط برقرار کرده است.

۷- اصول نگارش زبان و ادب فارسی و اصول مهم ساده‌نویسی برای کودکان و نوجوانان رعایت شود.

۸- ضمن توجه به ظرافت‌های ادبی، متن متناسب با شرایط گروه سنی مخاطب باشد و سعی شود از استخوان‌بندی و سبک نوشتهٔ اصلی عدول نشود.

بازآفرینی

باز آفرینی، تغییرات کلی در اسکلت و پلان یک ساختمان است که چه بسا نقشه ساختمان و کیفیت چهارچوب اولیه هم به هم می‌خورد. بازآفرینی آن است که نویسنده تنها از یک اثر مهم الهام بگیرد و با به‌کارگیری ذوق ادبی و هنر خویش، تجربیات و برداشت‌های امروزی خود را با فرهنگ و ادب کهن ما در هم بیامیزد و اثری نو خلق کند. بسیاری از آثار ما محصول بازآفرینی ذهن شاعران و نویسندگان می‌باشد. در حقیقت، در بازآفرینی عمده‌ترین کار، تغییر دادن موضوع و محتوای اثر، در هم ریختن چارچوب و ایجاد چارچوبی جدید و تازه است، به‌گونه ای که با خواندن اثر جدید، تنها رگه‌هایی از اثر کهن در ذهن خواننده نقش می‌بندد.

درست نویسی



درست نویسی

بایدها و نبایدهای نگارشی

درس نخست

کاربرد واژهٔ «توسط»

به‌کارگیری واژهٔ توسط در جمله‌هایی که نهاد آنها مشخص است، روا نیست. این واژه از راه ترجمه وارد زبان فارسی شده است. در نوشتار معیار بهتر است از آوردن آن بپرهیزیم.

بنویسیم: سعدی کتاب‌های ارزشمند بوستان و گلستان را نوشت.

✖ **ننویسیم:** کتاب‌های ارزشمند بوستان و گلستان توسط سعدی نوشته شد.

درس دوم

«حذف فعل»

هنگامی حذف فعل درست است که عیناً تکرار شده باشد. برای پرهیز از تکرار آن، یک فعل (معمولاً اولی) را حذف می‌کنیم و دومی را نگه می‌داریم.

بنویسیم: آرمان به دریچهٔ سحرآمیز نگاه کرد و وارد آن شد.

✖ **ننویسیم:** آرمان به دریچهٔ سحرآمیز نگاه و وارد آن شد.

درس سوم

«نشانهٔ مصدری ــ یّت»

به‌کار بردن نشانهٔ «ـ یّت» ویژهٔ کلماتی است که ریشهٔ عربی دارند:

هویت، اکثریت، معنویت و ...

کاربرد این نشانه با واژه‌های فارسی (خوب، من، دو و ...) نادرست است.

بنویسیم: من با نوشته‌های نویسندگان ایرانی آشنا هستم.

✖ **ننویسیم:** من با نوشته‌های نویسندگان ایرانی آشناییت دارم.

درس چهارم

«به کاربردن تأکید و احتمال»

گاهی نویسنده برای ایجاد طنز، تأکید و احتمال را در کنار هم می‌آورد.

در نوشتهٔ رسمی زبان معیار و غیر طنز باید از چنین کاربردهایی بپرهیزیم.

بنویسیم: مطمئن هستم این هفته خبر خوبی به شما می‌رسد.

✖ **ننویسیم:** مطمئن هستم این هفته شاید خبر خوبی به شما برسد.

درس پنجم

«به کاربردن فعل مرکب»

هرگاه بتوانیم جمله‌ها را با فعل‌های کوتاهتر و ساده‌تر بنویسیم، بهتر است از شکل‌های ترکیبی و دشوارتر آنها استفاده نکنیم.

بنویسیم: دانش‌آموزان در جشن پایان سال حضور یافتند.

✖ **ننویسیم:** دانش‌آموزان در جشن پایان سال حضور به هم رساندند.

درس ششم

«به‌کار نبردن دو واژه با معنای یکسان در کنار هم»

به‌کاربردن دو واژهٔ کنار هم که معنای یکسانی دارند (سنگ حجرالاسود، شب لیله‌القدر، پس بنابراین، بازی نهایی فینال و ...)، نادرست است و هنگام نوشتن از چنین کاربردی پرهیز می‌کنیم.

بنویسیم: ناهار را که خوردیم، باروبندیل را جمع کردیم و راه افتادیم.

✖ **ننویسیم:** ناهار ظهر را که خوردیم، باروبندیل را جمع کردیم و راه افتادیم.

درس هفتم

کاربرد بجای «حروف ربط و اضافه»

استفاده از نشانه‌های ربط، متمم و ... باید بجا و مناسب باشد. به‌کارگیری نامناسب این نشانه‌ها به نوشته آسیب می‌رساند و درک و دریافت متن را دشوار می‌کند.

بنویسیم: من مدیون تو هستم و برای جبران تلاشم را خواهم کرد.

✖ **ننویسیم:** من مدیون به تو هستم و برای جبران تلاشم را خواهم کرد.

درس هشتم

کاربرد «جمله‌های بلند»

جمله‌های کوتاه و ساده، ارتباط و درک را آسان می‌کنند. اما جمله‌ها و عبارت‌های بلند نفس‌گیرند و خواندن و دریافت متن را دشوار می‌کنند. بهتر است از کاربرد جمله‌های بلند پرهیز کنیم.

بنویسیم: تکالیف درس ریاضی را نوشتم و سراغ خواندن شعر رفتم.

✖ **ننویسیم:** پس از نوشتنِ تکالیفِ درسِ ریاضی، سراغ خواندن شعر رفتم.

حکایت زیر از «گلستان سعدی» برگزیده شده است.

نخست آن را نشانه‌گذاری، سپس به فارسی روان بازگردانی کنید.

***

یاد دارم که شبی در کاروانی همه شب رفته بودم و سحر در کنار بیشه‌ای خفته شوریده‌ای که در آن سفر همراه ما بود نعره‌ای برآورد و راه بیابان گرفت و یک نفس آرام نیافت چون روز شد گفتمش آن چه حالت بود گفت بلبلان را دیدم که به نالش در آمده بودند از درخت و کبکان از کوه و غوکان در آب و بهایم از بیشه اندیشه کردم که مروّت نباشد همه در تسبیح و من به غفلت خفته

دوش مرغی به صبح می‌نالید عقل و صبرم ببرد و طاقت و هوش
یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید به گوش
گفت باور نداشتم که تو را بانگ مرغی چنین کند مدهوش
گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح‌گوی و من خاموش